



معرفی اتاق‌های عمارت تاریخی (سیری بر گوشه‌های موسیقی ایرانی)



دعوت ما برای اقامت در عمارت تاریخی در واقع فراخوانی است به سیر و سفر در یکایک گوشه‌های موسیقی دستگای ایرانی. قوه خیال خود را بیدار کنید تا اتاق مورد نظرتان را بیابید که ما برای شما خوابی دیده‌ایم!

[اتاق ۱: گشایش]

آغازین پرتوهای صبح‌گاهی، روشنی‌بخش پنجره‌های این اتاق است و تو را از خوابگاه دنج به تماشای حیاط دعوت می‌کند. گشایش گوشه آغازین در دستگاه ماهور، گوی مدخلی است بر شنیدن دیگر نغمات.

[اتاق ۲: دلکش]

بر ایوان شمالی تمام فضای عمارت پیش چشمان توست. از آغاز صبح، نورهای رنگارنگ با تو همراهند تا به گاه میانه روز. منظره‌ای دلکش از هم‌نشینی حوض و حوض‌خانه. دلکش گوشه‌ای در دستگاه ماهور.

[اتاق ۳: سپهر]

چو بر خوابگاه چشم بگشایی بارقه‌های نور از دریچه سقف هدیه‌ای دارد از سپهر نیلگون. سپهر گوشه‌ای در دستگاه راست‌پنجگاه با چرخشی از نغمات، از خاور به باختر.

[اتاق ۴: نوروز]

چشم و چراغ و شاه‌نشین مجموعه. هر روز تصویری نو و تمام قد از عمارت را نظاره‌گر میشوی و سماع نور خورشید بر دیوارهای اتاق از میان شیشه‌های رنگی اوروسی برای تو دلبری می‌کند. نوروز مجموعه چندین گوشه متوالی در دستگاه راست‌پنجگاه.

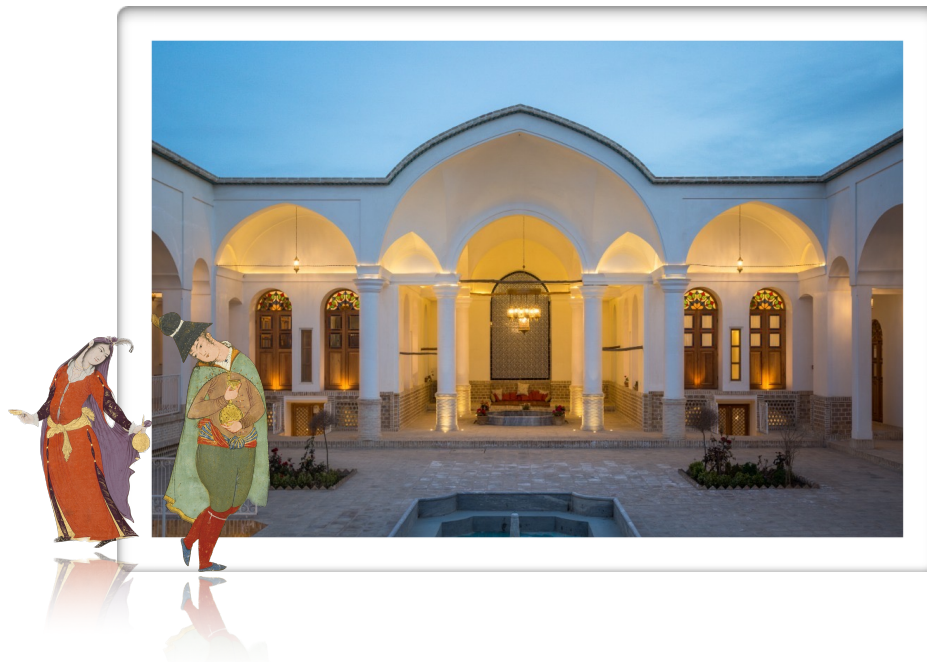
[اتاق ۵: اوج]

به همراه دو همسایه دیگر خود، بالا بلندترین فضای عمارت و چون دیگر همزاد خویش، سپهر، دلی بر پهنه حیاط و چشمی بر چشم نور آسمان بلند. اوج گوشه‌ای در دستگاه شور و آواز دشتی.

[اتاق ۶: کرشمه]

اتاقی روی برگرفته از آفتاب با دو پنجره، چشم در چشم حیاط و بر طرفی دیگر بر آغوش حوض‌خانه. دلبری بالابند با دندان‌های مفرس، تراشیده چون الماس. کرشمه گوشه‌ای در دستگاه‌های شور، ماهور، نوا، چهارگاه و آواز بیات ترک.





[اتاق ۷: نهفت]

فضایی کاملاً دنج که گاه از نظرها دور میماند. طاق‌بندی‌هایی از معماری روزگاران بس دور که هرکس را پس از ورود و گذر از اتاق خوابگاه به سوی پستویی امن و آرام با پنجره‌ای از نورهای مشبک فرا می‌خواند. نهفت، گوشه‌ای در دستگاه نوا.

[اتاق ۸: صفا]

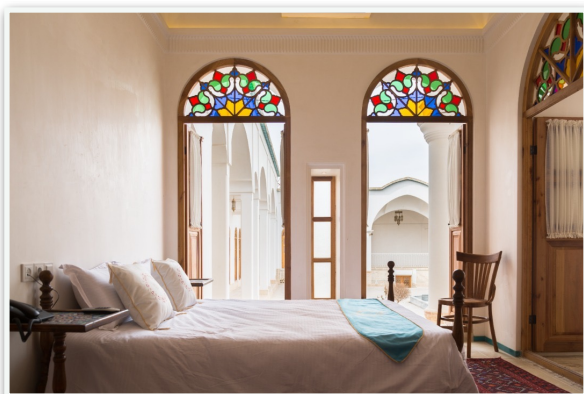
از پله‌های شمالی عمارت پایین می‌شوی. در گوشه‌ای از پیش ورودی اتاقی است آرام و به دور از هر هیاهو، تویی و صدای نفس‌هایت. پنجره‌ای به پهنای اتاق که اولین پرتوهای نور را به تو تقدیم می‌کند. به ساعت نگاه نکن، زمان را فراموش خواهی کرد. صفا، گوشه‌ای در دستگاه شور.

[اتاق ۹: زنگوله]

دو عنصر کاملاً ناهمگون، ولی صدایی میسازند دلنشین. تختی بر این گوشه و خوابگاهی بر گوشه دیگر. همچون گوشواره‌ای بر گوش ایوان شمالی و خواهری برای صفا. زنگوله گوشه‌ای در دستگاه چهارگاه، مهور، نوا و راست پنجگاه.

[اتاق ۱۰: خجسته]

فضایی فراخ و یکدست، همچون خنده‌ای از ته دل. نورهایی از میان پنجره‌های مشبک حیاط بر روی قندیل‌های چهارگانه، چون پرتوی آفتاب، از لابه‌لای برگ‌ها بر میوه‌های نورس. خجسته گوشه‌ای در دستگاه راست پنجگاه.



[اتاق ۱۱: دلنواز]

راهرویی کوتاه و ناگاه فضایی گسترده، که یکسوی آن نمایی است از آسمان عمارت و دیگر سو، پرده خانه‌ای جذاب و دیگر همه چیز. دلنواز گوشه‌ای در دستگاه همایون.

[اتاق ۱۲: چکاوک]

فضایی کاملاً متفاوت، هم‌نشینی آجر و چوب. نورهای گرم و نقش‌هایی بر دیوار، بوستانی از رنگ و طبیعت و انتظار آواز چکاوک. چکاوک گوشه‌ای در دستگاه همایون.

[اتاق ۱۴ : نغمه]

در سایه کنار حوض خانه از پله‌ها پایین میشوی. در بگشا، آسایشی برای تو بر یک کرانه و در سوی دیگر همراه تو در پشت سرت. دو پنجره با نورهایی از بین آجرچینی‌ها و در میان دری که پشت سرت بستی اما نور همچنان با تو در اتاق ماندگار شد. نغمه گوشه‌ای در دستگاه چهارگاه، شور، نوا و راست پنجگاه.

[اتاق ۱۵ : فرود]

لنگه دیگری از گوشواره حوض خانه. پس از پله‌ها پایین شو، دری که پیش روی خود می‌گشایی در مقابل فضایی خواهی دید که درمیایی که آمده‌ای به آرامش، به فراغت. نگاهی به دیگر سوی بیانداز، حمای در انتظار توست، گویی بازمانده از سده‌های خیلی دور. پس فرود آی و روزگارت را دریاب. فرود گوشه‌ای در دستگاه چهارگاه، شور و نوا و ماهور.

